

توضیحات:

- خلاصه شده در ۲۴ صفحه
- ویژه آزمون آموزش و پرورش
- با قابلیت پرینت

**جزوه خلاصه بخش ۲ مبانی  
نظری تحول بنیادین در نظام  
تعلیم و تربیت رسمی**

برای تهیه بسته کامل سوالات استخدامی مبانی نظری تحول بنیادین با پاسخنامه تشریحی، **اینجا** بزنید.

همچنین جهت مشاهده آخرین اخبار استخدامی آموزش و پرورش، **اینجا** بزنید.



## جزوه خلاصه بخش ۲ مبانی نظری تحول بنیادین تعلیم و تربیت

هدایت شایسته بخش «تربیت رسمی و عمومی» از جریان تربیت در هر جامعه، نیازمند آن است که مجموعه ای از گزاره های مدلل و مدون، تبیین چیرستی، چرایی و چگونگی آن را بر پایه فلسفه تربیتی خاص آن جامعه، بر عهده گیرد تا هدایت، جهت دهی و اصلاح مداوم این بخش مهم از جریان تربیت با توجه و التزام به چنین مجموعه ای صورت پذیرد.

### ضرورت تدوین «فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران»

۱- تربیت رسمی نظیر سایر پدیده های اجتماعی امری تاریخمند است که باید متناسب با مقتضیات زمان و مکان، تکوین و تحول یابد؛ لذا، الگوی نظری واحد و جهان شمولی از آن وجود ندارد. البته تصور نادرست وجود الگویی یگانه از تربیت رسمی، سبب شده است تا الگوی نظری رایج در کشورهای غربی، در نظامهای تربیتی دیگر جوامع جهان نیز گسترش یابد؛ در حالی که چنین الگویی از یک سو نمی تواند زمینه توسعه و تحول مناسبی را برای جوامع غیر غربی فراهم آورد و از دگر سو موجب انقطاع این جوامع از پیشینه فرهنگی و تاریخی خود و انفعال فرهنگی آنها نسبت به فرهنگ مسلط جهانی خواهد شد.

۲- تربیت رسمی و عمومی در میان انواع تربیت، دارای ویژگیها و اقتضائات خاصی است که نمی توان بدون توجه به آنها تبیین فلسفی چیرستی، چرایی و چگونگی این بخش از جریان تربیت را در ضمن مباحث فلسفه تربیتی جامعه و صرفا به مثابه یکی از مصادیق

جریان تربیت (در معنای عام آن) پیگیری کرد. شاهد این مدعا آنکه بر خلاف تربیت در معنای عام، تردید هایی در مباحث فلسفه تربیت معاصر نسبت به اصل ضرورت وجودی تربیت رسمی و عمومی (با توجه به انتقادات متعدد وارد بر مصادیق رایج آن) مطرح شده است که به برخی از آنها اشاره خواهد شد. بنابراین، باید با توجه به ویژگیها و اقتضائات تربیت رسمی و عمومی. ۳- همان طوری که در پیشگفتار این مجموعه اشاره شده، بر اساس شواهد موجود، تاکنون نظام تربیت رسمی و عمومی به عنوان بخشی از نظام نوین تربیت رسمی در کشور ما، بر فلسفه مدون و استواری در چارچوب فلسفه تربیتی بومی و متناسب با نظام فکری و ارزشی اسلام مبتنی نبوده است.

۴- نظام تربیتی حاکم بر کشور ما برخاسته از سنتها و تجارب متراکم نسلهای گذشته بود، قبل از اینکه مواجه با الگوی تربیت رسمی و عمومی به شیوه موجود آن شود که چارچوب و مولفه های اصلی آن، با وجود برخی دخل و تصرف های ناگزیر در آن، بدون تردید رهاورد تمدن مدرن مغرب زمین برای جامعه ما و سایر جوامع سنتی بوده است. اما هنگام مواجهه با این پدیده مدرن، الگوی تربیتی رایج در جوامع مدرن به مثابه الگوی بدیل و قدرتمندی برای سنت، اقتباس و بدون توجه به سنت الگوی تربیت سنتی و نقادی آن ر جامعه گسترش داده شد.

۵- با عنایت به ظهور و تداوم انقلاب اجتماعی فراگیر اسلامی و تاسیس نظام سیاسی نوپایی بر اساس مبانی و ارزشهای اسلامی به نام «جمهوری اسلامی» در کشور ایران که داعیه ارائه الگوی بدیعی برای حاکمیت سیاسی بر مبنای جهان بینی و نظام ارزشی اسلام، جهت حل و فصل اهم مسائل اجتماعی ناشی از تعارض سنت و مدرنیته دارد لزوم تدوین چنین فلسفه ای برای هدایت و بازسازی نظام تربیت رسمی و عمومی در این کشور آشکارتر به نظر می رسد؛ چرا که اگر جامعه ای با انقلابی گسترده در صدد برپایی و تثبیت نظام اجتماعی تازه‌ای با تکیه بر حمایت‌های عمومی و فراگیر مردم برآمد.

در جامعه ای مانند ایران، که انقلاب اجتماعی فراگیری در آن رخ داده و نظام سیاسی جدیدی بر اساس آموزه های اسلامی در آن برپا شده، ادامه حضور الگویی از تربیت رسمی که بر پایه ایده‌های اصلی مدرنیته (اومانیسیم و سکولاریسم) و بی توجه به مبانی اسلام ساخته و پرداخته شده است.

۶- تربیت رسمی و عمومی (در شکل فعلی آن)، نهادی است که با آغاز دوران مدرنیته در جوامع غربی ظهور یافته است و لذا یکی از مظاهر تمدن مدرن به شمار می آید. از اینرو برقراری نسبت دقیق و عقلانی بین این نهاد و جوامع اسلامی، مستلزم برقراری نسبتی عقلانی و مستدل بین سنت و مدرنیته است. برقراری این نسبت، چالش مهم و بزرگ جوامع اسلامی از زمان آشنایی با مظاهر تمدن غرب بوده است.

این رویکردها، بنا بر یک دسته بندی از اندیشه اجتماعی معاصر اسلامی عبارتند از:

\* رویکرد تجددگرا

\* رویکرد شریعت گرا

اندیشمندان طرفدار «تجددگرایی»، چاره حل مسائل مسلمانان در دوران معاصر را در تن دادن به اصول و چهارچوب مدرنیته می دانند (البته برخی از آنها تلاش بلیغی مینمایند تا این چارچوب را با اسلام منطبق، یا به تعبیری، اسلام را با این چارچوب سازگار سازند). پنج محور اساسی این دیدگاه از این قرار است.

نگرش انسان مدارانه، علم گرایی و تأکید بر خرد ابزاری، توسعه گرایی، تاریخی و نسبیت فهم و آینده گرایی. اما اندیشمندان طرفدار رویکرد «شریعت گرایی»، راه حل مسائل اجتماعی مسلمین را در اجرای احکام فقهی بدون نیاز به پردازش الگوهای عینی و تجربی میدانند. اندیشه های این گروه حول پنج محور اصولگرایی، آئین گرایی و تکلیف مداری، اجتهاد گرایی و روشمندی در فهم دین، التقاط ستیزی و گذشته گرایی می چرخد. اما رویکرد «تمدن سازی» در زمینه مواجهه با مظاهر مدرنیته، جهت دیگری را برگزیده است. در این رویکرد، افزون بر وحی و تعالیم دینی جایگاه ویژه‌ای برای عقل در نظر گرفته میشود. دین صرفاً در قلمرو و محدوده زندگی فردی قرار ندارد بلکه برنامه جامع زندگی تلقی می شود و در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی حضور اساسی دارد. دین در عرصه های مذکور اصول کلی و در مواردی اصول و قوانین جزئی دارد و در عرصه هایی نیاز به مثابه منطقه الفراغ وارد نشده است.

از این رو در عرصه اخیر، استفاده از عقل و دانش مترکّم بشری و توسعه آنها در چارچوب مبانی و ارزشهای دینی، جایگاه ارزشمندی دارد. بر اساس این رویکرد، مسلمانان میتوانند و باید بر مبنای تفسیر کتاب و سنت و اجتهاد روشمند و پویا، در جامعه اسلامی، متناسب با مقتضیات زمان و مکان به سوی پی ریزی تمدن نوین اسلامی گام بردارند. از منظر رویکرد تمدن سازی، اجرای همه جانبه اسلام، تنها در قالب فرآیند نوسازی جامعه به سوی یک الگوی مطلوب اسلامی و تاسیس نهادها و سازوکارهای متناسب با آنها میسر است. لذا این رویکرد برای پی ریزی تمدن نوین اسلامی بر ضرورت تدوین الگوهای اجتماعی تأکید دارد. لذا بنا بر این رویکرد کلان در مواجهه با مدرنیته، که به نظر میرسد با توجه به شواهد و قرائن بسیار با راهبردهای کلان انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران مناسبت دارد، لازم است.

فلسفه ی اسلامی و ایرانی متناسب با مقتضیات زمان برای نظام تربیت رسمی و عمومی کشور ما تدوین شود.

قاعده "نفی سبیل" از قواعد فقهی فراگیر و گسترده در تمامی ابواب فقه است که دلالتهای روشنی برای تنظیم سیاستها و مناسبات جوامع اسلامی با جوامع دیگر دارد.

تجارب قرون اخیر نیز نشان داده است که یکی از مجاری مهم برای نفوذ استعمار گران، نظام تربیتی جوامع است. زیرا نظام تربیتی ناوابسته زمینه ساز پویایی و اصالت تحولات اجتماعی خواهد بود و برعکس وابستگی در نظام تربیتی به وابستگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عمیق میانجامد.

بنابراین به اقتضای قاعده نفی سبیل، به نظر میرسد نهادهای تربیتی جوامع اسلامی، به ویژه نهاد تربیت رسمی و عمومی در شکل فعلی آن که تحت تاثیر تجارب مغرب زمین شکل گرفته است، باید متناسب با فرهنگ اسلامی و شرایط و بسترهای

اجتماعی حاکم بر این جوامع بازتعریف و الگوسازی شوند تا دادوستد و تعامل ناگزیر این نهاد با دیگر نظامهای تربیتی منجر به تثبیت و تداوم تسلط فکری و فرهنگی بیگانگان بر نظام تربیتی جوامع اسلامی نشود. به نظر میرسد، تحقق این مهم مستلزم بازنگری در فلسفه تربیتی الگوی وارداتی تربیت رسمی و عمومی و تدوین فلسفه تربیتی خاصی برای نظام تربیت رسمی و عمومی متناسب با مبانی فکری و ارزشها و فرهنگ اسلامی این گونه جوامع است.

## روش‌شناسی پژوهش

«فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» عبارت است از: مجموعه ای جامع، سازوار، به هم پیوسته، مدلل و مدون، که بر پایه «فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران»

۱- در این تحقیق، مقصود از «فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» عبارت است از: مجموعه ای جامع، سازوار، به هم پیوسته، مدلل و مدون، که بر پایه «فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران» به تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران می پردازد.

۲- در تدوین فلسفه تربیت رسمی و عمومی، علاوه بر فلسفه تربیت (مبانی، چیستی، چرایی و چگونگی تربیت)، مبانی سیاسی، حقوقی، روانشناختی و جامعه‌شناختی نیز به اقتضای ماهیت این نوع تربیت اضافه شده است.

۳- منظور از تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت، بیان استدلالی و مبرهن این مباحث است، با توجه به مجموعه ای از گزاره‌های معتبر فلسفی (مسلم فرض شده و اثبات شده در جای خود) تحت عنوان «مبانی اساسی تربیت»؛ به گونه‌ای که بتوان به لحاظ منطقی در صورت اذعان به درستی و حقانیت این مبانی-به صورت اصول موضوعه- بیان تجویزی آن مطالب را درباره حقیقت تربیت، امری مدلل و مستدل دانست.

۴- با اتکا به فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران کوشیده ایم - ضمن رعایت شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه ایران در دوران انقلاب اسلامی و متناسب با نظام جمهوری اسلامی ایران- در پاسخ به چالشهای اکنون و آینده تربیت رسمی و عمومی برای چیستی، چرایی و چگونگی تربیت رسمی و عمومی پاسخ‌های مستدلی به صورت نظام مند تهیه و تدوین شود.

۵- نحوه استنتاج و استنباط مبانی اساسی تربیت و چگونگی استناد و استدلال به آنها برای تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت از روش شناسی خاصی (در ایجاد ارتباط بین هستها و بایدها، به دلیل ماهیت تجویزی مباحث فلسفه تربیت و حضور توامان عناصر تحلیل- توصیفی و استنباطی - تجویزی در مقدمات استدلال بر این مباحث) تبعیت می کند که نه می توان آن را در قالب شکل ساده برهان (قیاس منطقی و اشکال اربعه آن) قرارداد و نه ممکن است با عنایت به التزام به تاثیرپذیری فلسفه تربیت اسلامی از تعالیم دُر محدوده دینی اسلام و سازگاری محتوای آن با این تعالیم، این روش شناسی را صرفاً یکی از رویکردهای پژوهشی رایج در حوزه فلسفه تربیت (نظیر رویکردهای استنتاجی، تحلیلی، انتقادی یا رویکرد قیاس عملی) تعبیه نمود. همچنان که نمیتوان برای تدوین مصادیق متنوع فلسفه تربیت روش شناسی کاملاً واحدی را در نظر گرفت. لذا ما در این مجموعه با شیوه های ابداعی برای تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت رسمی و عمومی، براساس نگرش اسلامی مناسب برای جامعه اسلامی ایران در دوران معاصر، به ترتیب این گامهای روشمند را طراحی و اجرا نموده ایم:

۵-۱- نخست با تکیه بر مباحث فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و متناسب با آن ضمن مراجعه به تحقیقات پیشین، مجموعه ای از گزاره های مدلل سیاسی، حقوقی، روان شناختی و جامعه شناختی را تحت عنوان «مبانی اساسی تربیت رسمی و عمومی» برگزیده ایم و آنها را پس از دسته بندی، به اختصار تبیین نموده ایم.

۵-۲- آن گاه به بررسی و نقد الگوهای رایج تربیت رسمی و عمومی پرداخته ایم و تحقیقات پیشین در این زمینه را بررسی و قوتها و ضعف های الگوهای رایج تربیت رسمی و عمومی شناسایی کرده ایم.

۵-۳- در نهایت، محصول تلاش فکری خود را در زمینه تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت که نتیجه مباحثات فکری طولانی و جلسات مفصل اقناعی بین همکاران طرح بود.

۵-۴- در نهایت با توجه به ضرورت اعتبار بخشی اجتماعی ه محصول این تلاش عقلانی در خصوص تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت، به گونه ای که بتواند به مثابه فلسفه تربیت رسمی و عمومی معتبر و مقبول جامعه نقاشی واقعی در پشتیبانی، هدایت، تنظیم و ساماندهی نظام تربیت رسمی و عمومی ایفا نماید، نتیجه کار خود را نخست در مرجع ذیصلاح قانونی و سیاستگذار در خصوص نظام تربیت رسمی و عمومی یعنی شورای عالی آموزش و پرورش ارائه نموده ایم و پس از تایید کلیات این مجموعه در شورای عالی آموزش و پرورش، نتیجه این تلاش فکری را به بالاترین مرجع تصمیم گیرنده درباره کل فرایند تربیت در جامعه اسلامی ایران یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی عرضه کرده ایم.



در این مرحله با گرفتن بازخوردهای متعدد از اعضای محترم این شورا و بحث و بررسی تفصیلی متن پیشنهادی توسط کارشناسان مورد اعتماد شورای انقلاب فرهنگی و پذیرش نظرات اصلاحی داور نهایی مورد قبول این مرجع - که خوشبختانه از آغاز نیز به عنوان یکی از ناظران علمی مورد قبول جامعه علمی از سوی شورای علمی طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش و کمیته مطالعات نظری برای نظارت بر مطالعات بنیادی مورد نیاز و نیز فرآیند تلفیق مطالعات نظری تعیین شده بودند و لذا به خوبی بر روند تدوین این مجموعه اشراف داشته اند- نسبت به اعتبار بخشی اجتماعی این مجموعه مدون به عنوان «فلسفه تربیت رسمی و عمومی مقبول و معتبر در جامعه اسلامی ایران» اقدام نموده ایم.

به هر حال بنابر تعریف مورد نظر، مباحث فلسفه تربیت رسمی و عمومی در اینجا ذیل چهار عنوان زیر طرح میگردند: \* مبانی تربیت رسمی و عمومی (مفروضات سیاسی، حقوقی، روانشناختی و جامعه شناختی)؛

\* چیستی تربیت رسمی و عمومی (تعریف و ویژگیها)؛

\* چرایی تربیت رسمی و عمومی (ضرورت، غایت و هدف کلی)

\* گونگی تربیت رسمی و عمومی (اصول کلی، توضیح الگوی نظری ساحت‌های تربیت و بیان ارکان و عوامل سهیم و مؤثر در تربیت رسمی و عمومی

## ۱- مبانی اساسی تربیت رسمی و عمومی

فلسفه تربیت رسمی و عمومی مانند هر نظریه کلان و خرد تربیتی بر مفروضات و مبانی خاصی استوار است. اعتبار گزاره های تجویزی فلسفه تربیت رسمی و عمومی از مفروضات و مبانی آن نشأت میگیرد. البته بخش مهمی از این مبانی و مفروضات در «فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران» و مبانی اساسی مندرج در این مجموعه مدون به اجمال در بخش پیشین مورد بحث قرار گرفته است. اما بخش دیگری از تبیین فلسفی تربیت رسمی و عمومی به دلیل ویژگی های این نوع از تربیت با مباحث سیاسی و حقوقی ارتباط پیدا میکند.

### ۱-۱- مبانی سیاسی

تربیت رسمی و عمومی به دلیل قانونمندی، رسمیت، عمومیت و الزام آور بودن حضور متریان در آن با نظام سیاسی حاکم بر جامعه نسبت وثیقی برقرار میکند. از این رو تدوین فلسفه تربیت هر ۱. بنابراین در تبیین الگوی جامعه نمیتواند نسبت به

مقتضیات سیاسی آن جامعه بی تفاوت باشد تربیت رسمی و عمومی برای نظام جمهوری اسلامی ایران باید به ویژگی‌های سیاسی این نظام نیز توجه شود. «مبانی سیاسی» آن دسته از گزاره‌های مفروضی هستند که از یک سو جایگاه تربیت را در نظام سیاسی کشور جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهند و از دیگر سو چگونگی دخالت و تاثیر نظام سیاسی را در حوزه تربیت بیان می‌کنند. در اینجا به برخی از مهمترین مبانی سیاسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران، که از اسناد معتبر برگرفته شده‌اند، اشاره می‌کنیم:

#### ۱-۱-۱. هدف حکومت دینی زمینه‌سازی برای تحقق حیات طیبه است

دولت اسلامی دولت «زمینه‌ساز تحقق حیات طیبه» است، نه دولت رفاه. به بیان دقیق‌تر، تأمین رفاه هدف اصلی دولت اسلامی نیست، بلکه هدف اساسی آن زمینه‌سازی برای تحقق حیات طیبه است و هر چند با عنایت به نقش حرکت آگاهانه و اختیاری افراد جامعه در تحقق حیات طیبه، توجه دولت اسلامی بیش از هر موضوع بر تربیت افراد جامعه تمرکز می‌یابد؛ در عین حال، از آن جا که تأمین رفاه و امنیت و مانند اینها بر موفقیت هدایت و تربیت آحاد مردم تأثیر آشکار دارد، دولت زمینه‌ساز تحقق حیات طیبه نیز موظف است به تأمین رفاه و امنیت مردم، همچون مقدمه‌های برای تحقق حیات طیبه همت گمارد.

امام علی(ع) فرمود: «کاد الفقر ان یکون کفرا». همچنین ایشان در عهدنامه مالک اشتر به چهار وظیفه مهم دولت اسلامی یعنی مدیریت مالی، ایجاد امنیت، آبادانی و عمران و استصلاح شهروندان اشاره کرده‌اند. مطابق این فرمایش، دولت اسلامی وظیفه‌ای جدید و مهم برای امنیت، عمران و آبادانی جامعه و مبارزه با فقر و ناداری مردم دارد و انجام این وظایف به در واقع زمینهای برای تحقق حیات طیبه به شمار می‌رود. با چنین نگاهی، تأمین رفاه و دیگر نیازهای افراد جامعه نیز زمینه‌ساز تحقق حیات طیبه است.

۱-۱-۲. تربیت شایسته عموم مردم به لحاظ حاکمیت اصل مردم سالاری دینی در حکومت اسلامی، هم از جمله اهداف تشکیل حکومت است و هم با توجه به تکیه این نوع حکومت بر انتخاب و حضور آگاهانه مردم، راهکار اصلی حفظ و تداوم نظام سیاسی مطلوب به شمار می‌آید.

چنان که گذشت، تربیت از کارکردهای اساسی حکومت اسلامی به شمار می‌آید و آنچه به اهداف حکومت تلقی شود(نظیر اجرای احکام الهی، رفاه، امنیت و برپایی عدالت) در حقیقت وسایل و اهداف واسطی برای تحقق حیات طیبه و در عین حال مقدمه تحقق فرایند مطلوب تربیت در جامعه هستند. اما در واقع خاستگاه اقتدار دولت اسلامی و حفظ آن، انسانهای هدایت یافته‌های هستند که در راه برپایی عدالت، پایداری حکومت دینی و گسترش هدایت، خستگی‌ناپذیر مجاهدت مینمایند. به



این ترتیب زمینه سازی برای هدایت یا تربیت آحاد مردم، هم مقصد و هدف دولت اسلامی است و هم، مبدأ و ضامن بقای آن؛ یعنی زمینه سازی هدایت مردم (که هم خاستگاه اقتدار عرفی این نوع حکومت مردمی است و هم اقتدار قانونی آن را تداوم می بخشد)، از یک سو توسط دولت اسلامی پیگیری می شود و گسترش مییابد و از سوی دیگر میزان توجه مردم به حفظ حکومت دینی و تلاش ایشان برای گستردن حوزه نفوذ آن با حضور در عرصه حیات اجتماعی سیاسی توسط آحاد جامعه اسلامی از علائم هدایت مردم تلقی میشود.

۱-۱-۳- در حکومت اسلامی پیشرفت جامعه، وسیله ای برای بسط هماهنگ و متعادل ظرفیتهای وجود یا فرادو تعالی تجارب متراکم جامعه در جهت تحقق حیات طیبه است.

رسالت دولت اسلامی سیاستگذاری و برنامه ریزی برای بسط ظرفیتهای وجودی افراد جامعه و گسترش تجارب متراکم اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی است (نه توسعه در مفهوم محدود آن).

به بیان دیگر زمینه سازی برای رشد هماهنگ و متعادل همه جنبه ها و استعدادهای افراد جامعه بر اساس تعالیم اسلامی، وظیفه نظام اسلامی است. زیرا در نگاه اسلامی کل فرایند تربیت و همه ابعاد آن باید در چارچوب معیارهای اسلامی باشد- چه در ساحت تربیت دینی (به معنای خاص یعنی تربیت اعتقادی عبادی) و اخلاقی و چه در ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت اقتصادی و حرفهای؛ از اینرو حتی تقدم و محوریت تربیت دینی و اخلاقی در چارچوب نظام تربیت اسلامی زمانی معنا می یابد که در آن، سایر ابعاد و ساحتهای تربیت نیز از اهمیت لازم برخوردار باشند.

۱-۱-۴- در حکومت اسلامی مجموعه نهادهای فرهنگی کشور باید به صورت هماهنگ و در چارچوب سیاستهای کلان کشور و سیاست های کلی بخش فرهنگ (مصوب مقام رهبری) عمل کنند

نظام تربیت رسمی و عمومی، که یکی از مهمترین دستگاههای فرهنگی کشور است، باید مطابق با اصل پنجم قانون اساسی، در راستای اصول و سیاستهای فرهنگی حاکم بر مجموعه نهادهای فرهنگی کشور تحت نظارت مقام ولایت فقیه، سامانه ابد و جهت دهی شود و در همین چهارچوب، تمامی سازمانها و نهادهای فرهنگی ناظر به رشد همه جانبه عموم مردم باید با این نظام به صورت هماهنگ عمل کنند.

۱-۱-۵- در حکومت اسلامی، جهت گیری تربیتی از جمله اولویتهای اساسی همه بخشها و نهادهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است.

با توجه به مبانی پیش گفته، کل نظام اسلامی، تحت نظارت ولایت فقیه، باید بکوشد تا فرایند تربیت توسط نهادهای تربیت رسمی و غیررسمی بر اساس معیارهای اسلامی تحقق یابد. از این رو جهت گیری تربیتی از مهمترین اولویتهای کل نظام محسوب می شود و لذا برنامه های سیاسی و اقتصادی تابعی از جهت گیریهای تربیتی نظاماند.

طبق اصل سوم قانون اساسی: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

- \* ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی؛
- \* بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها، با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر
- \* آموزش و پرورش [تربیت رسمی و عمومی] و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی
- \* تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان

۱-۱-۶- رویکرد «تمدن سازی» در زمینه مواجهه با مظاهر مدرنیته، جهت گیری مختار و برگزیده است بر اساس پیش فرضها و مبانی دین شناختی تشریح شده در بخش مبانی فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران برای مواجهه با مدرنیته و مظاهر و آثار آن، رویکرد تمدن سازی در قبال رویکردهایی نظیر تجددگرایی، شریعت گرایی و سنت مداری جهت گیری مرجح است.

نکته: از منظر رویکرد تمدن سازی اجرای همه جانبه اسلام، تنها در قالب فرآیند نوسازی جامعه به سوی یک الگوی مطلوب اسلامی و تاسیس نهادها و سازوکارهای متناسب با آنها میسر است.

این رویکرد، به طور کلی بر این محورها تاکید دارد:

- \* نگرش نظام مند به معرفت دینی؛
- \* اصولگرایی در حوزه معرفت دین و توسعه گرایی در حوزه تحقق دین؛
- \* تکامل در روش اجتهاد و لزوم تجدید نظر در روش علوم جدید؛
- \* ضرورت تدوین الگوهای اجتماعی؛

## ۱-۲- مبانی حقوقی

بر اساس مبانی اسلامی همه انسانها صاحب حق و حقوقی هستند که باید توسط همگان رعایت شوند. زیرا به همان اندازه که در نگاه دینی مکلف بودن انسان اهمیت دارد صاحب حق بودنش نیز در خور توجه است و این دو موضوع، دو روی یک سکه اند. به سخن دیگر، بین حق و تکلیف آحاد اجتماع، موازنه برقرار است.

تربیت رسمی و عمومی، به دلیل قانونمندی و نیز به سبب ارتباط عمیق با نظام سیاسی، لاجرم با نظام حقوقی جامعه نیز ارتباط پیدا میکند؛ از دیگر سو نظام حقوقی جامعه در نگاهی کلان، مجموعه‌ای از گزاره‌های اعتباری و تجویزی است که خرد جمعی جامعه مبتنی بر فلسفه اجتماعی، آنها را برای حیات بالنده آحاد خود ضروری میداند.

### حق بر تربیت

حق بر تربیت از جمله موضوعاتی است که دو جنبه فردی و اجتماعی دارد که استیفای این حق با تکلیف نهادهای مختلف جامعه همراه است. در جنبه فردی تربیت، فرد و خانواده صاحب حق و تکلیف اند. لذا به طور کلی مسئولیت اولیه و اصلی تربیت کودکان با والدین است و دولت نقش مکمل و ناظر را به عهده دارد. ولی ایفای جنبه اجتماعی حق بر تربیت باید با مسئولیت ارکان تربیت و همه نهادهای سهیم صورت پذیرد که در تربیت رسمی و عمومی مسئولیت اصلی بر عهده حاکمیت است و والدین نقش مکمل و ناظر را دارند. در عین حال والدین (خانواده) در فرایند تربیت رسمی و عمومی فرزندان خود از حقوق زیر برخوردارند:

\* حق انتخاب نوع تربیت فرزندان خود (در چارچوب فلسفه تربیتی جامعه)؛

\* در حد توانایی و صلاحیت؛ حق مشارکت در مدیریت نظام تربیت رسمی و عمومی

\* حق نظارت بر نظام تربیت رسمی و عمومی

\* حق مشارکت در جریان تربیت فرزندان خود.

در جنبه اجتماعی تربیت، دولت اسلامی (حاکمیت) برای تحقق شایسته حق بر تربیت نسبت به آحاد افراد جامعه عهده دار سیاستگذاری و برنامه‌ریزی است.

تکالیف و مسئولیتهای تربیتی (دولت و خانواده)

دولت اسلامی موظف است شرایط برخورداری از همه حقوق تربیتی را به شیوه مناسب برای شهروندان فراهم آورد. تعهدات دولت نسبت به حق بر تربیت به سه شکل است:

\* تعهد به رعایت؛

\* تعهد به حمایت؛

\* تعهد به زمینه سازی برای تحقق کامل

۱-۳- مبانی روانشناختی

تربیت رسمی و عمومی به دلیل پوشش دادن به متریان در سنین خاص (دوره های کودکی و نوجوانی) ناگزیر است با مباحث علمی مربوط به مراحل رشد و خصوصیات هر دوره سروکار داشته باشد؛ زیرا شناخت واقعیت های روانشناختی متریان موجب تجویز ساز و کارهای مناسب و عقلانی در تربیت رسمی و عمومی خواهد شد. دانش روان شناسی، که دانشی تجربی است، عد روان شناختی) ارائه می دهد بنابراین در تصویر روشن تری از چگونگی حیات آدمی را (در تدوین فلسفه تربیت رسمی و عمومی نمیتوانیم به دستاوردهای دانش معاصر روانشناسی بی توجه باشیم:

برخی از مهمترین مبانی روان شناختی

۱-۳-۱- آدمی تحت تاثیر تعامل پیچیده و تأثیر متقابل عوامل درونی (طبیعت و فطرت)، عوامل بیرونی (محیط) و تجربیات خویش است.

آدمی، با وجود تاثیرپذیری از عامل درونی و بیرونی، در نهایت خود (شامل تفکر، اراده و عمل) عامل تعیین کننده شکل گیری هویت (شخصیت) است. منظور از «عوامل درونی» همه امکانات و ظرفیتهای و حتی محدودیت هایی است که بشر با خود به دنیا می آورد و «محیط» به تمامی عواملی اشاره دارد که او را احاطه کرده است (مانند محیط فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و...).

۱-۳-۲- آدمی اساساً طبیعت فعال دارد.

منبع اساسی رشد در وجود آدمی تعبیه شده است. لذا فرد می کوشد برای تحقق امکانات طبیعی خود، عوامل محیطی مشارکت فعال و پویا با داشته باشد. این مشارکت در طول حیات جریان دارد و گرچه در سالهای اولیه کمتر است؛ اما به مرور افزایش

میباشد. بنابراین، نباید آدمی را موجودی پذیرنده و در اختیار محیط پنداشت تا هر طور که دیگران بخواهند، بتوانند او را صرفاً بار بیاورند.

۱-۳-۳- انسانها در عین داشتن اشتراک در بسیاری خصوصیات، تفاوت‌های بین فردی و درون فردی قابل ملاحظه ای نیز با یکدیگر دارند.

ظرفیتهای وجودی انسانها در سطوح مختلف و در مراتب گوناگون ظهور و بروز میکند. ترکیب پیچیده تعامل بین عوامل درونی (فطرت و طبیعت) و بیرونی (محیط) موجب تفاوت‌های فردی میشود و در جنبه های مختلف شناختی، عاطفی، جسمانی، اجتماعی این تفاوتها بروز میکند. از سوی دیگر میان انسانها (از جمله تفاوت‌های میان دو جنس) در بهره مندی از ظرفیتهای وجودی و فعلیت یافتن آنها نیز تفاوت‌های قابل ملاحظه ای وجود دارد.

۱-۳-۴- رشد آدمی نه صرفاً ناشی از محیط و نه صرفاً امری زیستی و تابع الگویی جهان شمول (کاملاً منطبق بر همه) است، بلکه ماهیتی منعطف و قابل شناسائی دارد.

رشد اگرچه دارای جنبه های کمی است، اما در نهایت امری کیفی است و به صورت جریانی مستمر و مرحله به مرحله شکل می گیرد. تمامی مراحل رشد اهمیت دارند، با این توضیح که مراحل اولیه رشد حساسیت بیشتری دارد.

۱-۳-۵- یادگیری یکی از ظرفیتهای وجودی آدمی و منشأ اصلی بسیاری از تحولات در ابعاد وجودی اوست.

یادگیری، حاصل تعامل پیچیده طبیعت (ظرفیتهای وجودی خدادادی)، عوامل محیطی (تجربیات فردی، محیط مادی و فرهنگی و...) و اراده و عمل فرد است و ابعاد مختلف و سطوح گوناگون دارد. یادگیری نه در خلأ، که در محیط اجتماعی رخ میدهد و عوامل اجتماعی در آن نقشی تعیین کننده دارند. بر این اساس، یادگیری نیازمند زمینه است و هر زمینهای مساعد و مناسب یادگیری نیست. یادگیری قابلیت مادام العمر آدمی است؛

۱-۳-۶- شخصیت(هویت)، ترکیبی پیچیده، پویا حاصل تعامل اراده فرد با عوامل زیستی، اجتماعی، فرهنگی، شناختی و روانی است

شخصیت آدمی از ابعاد و جنبه های گوناگونی شکل یافته است. اما با وجود داشتن ابعاد و جنبه های مختلف، از وحدت و کلیتی یکپارچه بهره مند است. بنابراین، همواره بین جنبه های جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و معنوی هویت انسان ارتباط و پیوستگی عمیق و ژرفی وجود دارد.

۱-۳-۷ رشد آدمی در همه ابعاد رخ میدهد و محصول تعامل با عوامل متعدد است.

رشد جریانی است که همه ابعاد وجودی آدمی را در بر میگیرد. ساده ترین مرتبه رشد، جسمانی است و عالی ترین آن رشد هماهنگ و موزون ابعاد مختلف و ظرفیتهای وجودی آدمی است.

#### ۱-۴- مبانی جامعه شناختی

ربیت رسمی بیش از هر چیز تابع مقتضیات محیط اجتماعی و شرایط تاریخی است و وضعیت جامعه یا دوران، میتواند حدود و ثغور و ویژگیهای آن را رقم بزند. شناخت واقعیتهای جامعه موجب تجویز ساز و کارهای مناسب و عقلانی تربیت رسمی و عمومی خواهد شد. بنابراین تدوین فلسفه تربیت رسمی و عمومی نمیتواند به دستاوردهای دانش جامعه شناسی بی توجه باشد. در اینجا به برخی از مهمترین مبانی جامعه شناختی منطبق با دیدگاه اسلامی اشاره می کنیم:

۱-۴-۱- جامعه حیاتی مستقل از حیات فردی آحاد خود دارد.

جامعه به حکم اینکه خود، از نوعی حیات مستقل از حیات فردی برخوردار است، قوانین و سنت های مستقل از اجزای خود (افراد) دارد.

۱-۴-۲- انسان با محیط (جامعه) و آحاد آن تعامل فعال دارد.

دیدگاه اسلامی، به لحاظ تاکید بر آزادی و مسئولیت فردی از محیط گرایی (منطوی در علوم اجتماعی معاصر) فاصله میگیرد. به لحاظ توجه به موقعیت، با فردگرایی نیز تفاوتی اساسی دارد و به ما گوشزد میکند که از تعامل با محیط ناگزیریم و نمی توانیم آن را نادیده بیانگاریم، ولی مجاز نیستیم برای تغییر محیط، دوباره خود را به محیط واگذاریم.

۱-۴-۳- نسبت فرد و جامعه نسبت وحدت و کثرت است.

توجه به موقعیت اجتماعی، در نگرش اسلامی، هرگز به معنای اصالت جمع نیست؛ بلکه به معنای ملاحظه وحدت در کثرت، تشخیص در محیط و فردیت در جماعت است.

۱-۴-۴- نهادها، ساختارها و فرایندهای اجتماعی در نحوه عمل افراد در موقعیت های زندگی تاثیرگذار است.

توجه به اهمیت و تاثیر گسترده نهادهای اجتماعی، ساختارها و فرایندهای اجتماعی در تکوین نگرش افراد و نوع نگاه آنها به موقعیت وهمچنین تکوین دلایلشان برای عمل در موقعیت، می تواند سیاستگذاران اجتماعی را به تغییرات محیطی حساس



کند. سیاستگذاران اجتماعی لازم است، ضمن توجه به پیچیدگیهای بسیار فرآیندهای اجتماعی، انواع عوامل تأثیرگذار و شیوه‌های گوناگون تأثیرگذاری آنها را شناسایی کنند. بنابراین سیاستگذاران تربیتی باید با بررسی گستره تأثیرگذاری نهادهایی نظیر اقتصاد، سیاست و علم برای دستکاری در عوامل محیطی آماده شوند. برنامه ریزان تربیتی لازم است تصویری نزدیک به واقعیت از حوزه عمل این نهادها در اختیار متریبان قرار دهند. آنها میتوانند و باید برای دستیابی به تفسیری معتبر از موقعیت و راههای اصلاح مداوم آن از منابع معتبر علمی و دینی بهره‌مند شوند.

۱-۴-۵- زمینه سازی برای کسب شایستگیها توسط شهروندان جامعه اسلامی عامل تحرک اجتماعی است.

عموم انسانها توانایی کسب شایستگی های لازم را برای مشارکت فعال در حیات فردی و اجتماعی دارند. لذا، جریان تربیت، باید فرصت مناسب تحقق این توانایی را به صورت عادلانه برای آحاد اجتماع فراهم آورد. از اینرو نظام تربیت رسمی و عمومی باید زمینه مناسب شناخت و تعالی مستمر ظرفیتهای متریبان را فراهم سازد تا ضمن تکوین و تعالی هویت سالم و متعادل در آنان، از انسداد طبقاتی در جامعه جلوگیری کند

۱-۴-۶- نهادهای اجتماعی دارای غایت مشترکاند و کارکرد همدیگر را در راستای غایت تکمیل می کند.

نهادهای اجتماعی سهمیم در جریان تحقق حیات طیبه، با وجود داشتن تفاوت در ساختار و ظرفیت، از غایت مشترکی برخوردارند و کارکردشان مکمل و مؤید یکدیگر به شمار می آید و غایت ویژه آنها (متجلی در رسالت و کارکردهای خاص) در راستای تحقق غایت مشترک تعیین میشود. بنابراین نقص در کارکرد هر یک از نهادهای اجتماعی را نمی توان به سادگی با تقویت نهادهای دیگر جبران کرد و لازم است همه نهادها با همدیگر تعامل داشته باشند.

۱-۴-۷- نهاد خانواده، که نقش غیر قابل انکاری در تربیت برعهده دارد، یکی از نهادهای بنیادی جامعه به شمار می آید.

در نگاه اسلامی سلامت جامعه و رسیدن به جامعه ای سالم منوط به وجود خانواده های سالم و کارکرد مناسب آنها در همه ابعاد زندگی است. یکی از نهادهای اجتماعی موثر و بنیادی در انواع تربیت، به ویژه در سنین کودکی و نوجوانی، نهاد خانواده است. در واقع نهاد خانواده کوچکترین واحد اجتماعی و در عین حال مهمترین و تأثیرگذارترین واحد تربیتی در جوامع محسوب میشود. یکی از عملکردهای مهم این نهاد، تربیت فرزندان است و لذا خانواده در هر حال نقش غیر اساسا قابل انکاری در فرایند تربیت دارد. در نگرش اسلامی نیز بر این موضوع مهم تاکید شده است.

۱-۴-۸- در روند شکل‌گیری و تحول جامعه باید بین فرایند انسجام اجتماعی (پیوند یافتن واحدهای اجتماعی در راستای ایجاد وحدت) و فرایند تمایز یافتگی (تقسیم و تشخیص یافتگی واحدهای اجتماعی به منظور پذیرش کثرت و تنوع) - براساس اصل وحدت در کثرت و کثرت در وحدت - جمع نمود.

## ۲- تبیین چیستی تربیت رسمی و عمومی

فرایند تربیت، اساسی‌ترین جریان اجتماعی بشری و عامل اساسی تحقق حیات طیبه در ابعاد فردی و اجتماعی آن است که باید توسط نهادهای ذیربط اجتماعی پشتیبانی و هدایت شود. این فرایند به نحو تجویزی در فلسفه تربیت بر اساس استنتاج و استنباط از مبانی اساسی تصریح شده چنین تعریف شده است: «تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان، به صورتی یک پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد.» از این تعریف برمی‌آید که عمل تربیت فرایندی دو سویه است: از یک سو عمل زمینه‌سازی است که در آن مربیان با طراحی، سازماندهی و تدارک فرصتهای مناسب در قالب تدابیر و اقداماتی تدریجی، سنجیده (براساس انطباق با خصوصیات و موقعیت متربیان)، هماهنگ و یکپارچه بر اساس نظام معیار زمینه‌های مناسبی را فراهم می‌سازند؛ از سوی دیگر، عمل کسب توسط متربی است که در آن متربیان نیز با مشارکت فعال در این فرایند و استفاده مناسب از فرصت‌های فراهم شده، شایستگیهای فردی و جمعی لازم را کسب میکنند و از این طریق آماده می‌شوند تا آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه را در همه ابعاد محقق سازند.

نکته: به سخن دیگر در فرایند تربیت رسمی مفهوم عمومی ناظر به گروهی خاص از متربیان است که در دوره رشدی ویژه‌ای - کودکی دوم و نوجوانی و جوانی - قرار دارند.

بررسی اجمالی الگوهای رایج تربیت رسمی و عمومی

البته می‌توان صورت‌هایی از تربیت سازمان یافته را به عنوان تربیت رسمی در همه جوامع (از جمله جوامع سنتی) شناسایی کرد، چنانکه تربیت عمومی نیز در شکل غیر رسمی آن در همه جوامع، ولی همانگونه که پیشتر گفته شد، تربیت رسمی و عمومی در جامعه بشری پیشینه‌ای طولانی دارد شکل امروزی آن، پدیده اجتماعی نوظهوری از محصولات دوره مدرن است که مطابق با نیازها و مقتضیات فرهنگی، اقتصادی و فناورانه جوامع معاصر در اشکال گوناگون بسط یافته است. به هر حال تربیت

رسمی و عمومی در آشکال و مصادیق رایج آن، بدون شک توفیقات قابل توجهی در جوامع امروزی داشته است که میتوان از جمله به این موارد اشاره نمود:

\* ارتقای فرهنگ عمومی؛

\* نقش آفرینی در تحرک اجتماعی افراد طبقات مختلف و بسط عدالت اجتماعی؛

\* کمک به ایجاد انسجام اجتماعی و وحدت ملی؛

\* تعمیم آموزش سواد و مهارتهای اساسی زندگی؛

\* کمک به گسترش روابط اجتماعی.

۱-۲- تعریف تربیت رسمی و عمومی

نا بر آنچه گذشت، در پردازش مفهوم و الگوی متمایز از تربیت رسمی و عمومی برای جامعه اسلامی ایران، بر اساس تعریف تربیت باید از یک سو، هم موفقیت‌های بدست آمده و هم انتقادات وارد شده به الگوهای رایج تربیت رسمی و عمومی را در نظر گرفت و از سوی دیگر، باید شرایط و مقتضیات جامعه کنونی ایران و چالش‌های پیش روی آن مد نظر قرار داده است.

نکته:

«بخشی از جریان تربیت که به شکل سازماندهی شده، قانونی، عادلانه، همگانی و الزامی در مدرسه با محوریت دولت اسلامی و مشارکت فعال دیگر ارکان تربیت- خانواده، رسانه و سازمانها و نهادهای غیردولتی- صورت می پذیرد و با تاکید بر وجوه مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) - همراه با توجه به وجوه اختصاصی هویت متربیان (به ویژه هویت جنسیتی) - در پی آن است تا آنان، مرتبه ای از آمادگی را برای تحقق حیات طیبه در ابعاد گوناگون فردی، خانوادگی و اجتماعی به دست آورند که تحصیل آن مرتبه، برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد».

لذا تعیین مصادیق شایستگیهای پایه برای متربیان در این نوع تربیت، در بازه های زمانی معین، در چارچوب فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و با توجه به ملاک های زیر، صورت میگیرد:

\* اولویتهای نظام معیار اسلامی

\* نیازها و مقتضیات اجتماعی، با توجه به میزان رشد و توسعه یافتگی جامعه و چشم انداز تحولات پیش رو

\* یافتههای پژوهشی مربوط به مشخصات و نیازهای مراحل رشد متربیان

\* دلایل ضرورت تحقق اهداف تربیت (برحسب نوع ساحتها) برای همگان

\* قابلیت تحقق پذیری شایستگی های مورد نظر، نسبت به عموم افراد جامعه

شایان ذکر است که کسب شایستگی های پایه، افزون بر این، پیش نیاز ورود متریبان به سطوح بالاتری از رشد و تعالی هویت نیز هست که نتیجه برخورداری افراد از تربیت تخصصی (به ویژه نوع رسمی آن) است.

توجه به این دسته از ویژگیها، واکنشی است نسبت به این انتقاد از نظامهای رایج تربیت رسمی و عمومی که در راستای ایجاد هویت واحد برای آحاد جامعه، به یکسان سازی اهداف و محتوای آموزش و برنامه های درسی اقدام میکنند و نتیجه طبیعی آن «شخصیت زدایی» از متریبان و اضمحلال فردیت ایشان است. لذا نظام تربیت رسمی و عمومی مطلوب، طبق اصل اساسی و مهم «وحدت در کثرت»، علاوه بر زمینه سازی تکوین و تعالی هویت مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) در آحاد متریبان با تاکید بر کسب شایستگی های پایه، نسبت به زمینه سازی برای تکوین لایه های ویژه هویت آنان (به ویژه هویت جنسیتی) از طریق کسب شایستگیهای ویژه نیز توجه دارد.

## ۲-۲- ویژگی های تربیت رسمی و عمومی

بعد از ارائه تعریف تربیت رسمی و عمومی و در ادامه تلاش برای تدوین و تبیین الگوی مورد نظر برای آن، اکنون به تشریح ویژگی های الگوی مطلوب تربیت رسمی و عمومی برای جامعه اسلامی ایران می پردازیم. در این بحث به سه دسته ویژگی عام، خاص و اختصاصی این نوع از تربیت اشاره خواهیم داشت. منظور از ویژگی های عام، آن دسته از خصوصیات هستند که کم و بیش به صورت یکسان در الگوهای رایج تربیت رسمی و عمومی در کشورهای جهان دیده می شوند و با فلسفه تربیتی جامعه اسلامی ایران نیز توافق دارند. از این رو این خصوصیات در الگوی مطلوب نیز مورد عنایت قرار گرفته است. منظور از ویژگیهای خاص آن دسته ویژگی هایی است که در الگوهای رقیب به صورت موردی یافت میشوند اما تأکید بر آنها در الگوی مطلوب بیشتر است. اما مراد از ویژگی اختصاصی الگوی تربیت رسمی و عمومی آن خصوصیات است که می توانند تمایز اساسی بین الگوی مورد نظر با الگوهای رقیب ایجاد نماید. به نظر می رسد از ترکیب ویژگی های عام، خاص و اختصاصی تربیت رسمی و عمومی میتوان خصوصیات اساسی الگوی مطلوب و مد نظر را پردازش نمود.

## ۲-۲-۱- ویژگی های عام تربیت رسمی و عمومی

با تأمل در مباحث گذشته و بررسی و تحلیل خصوصیات مصادیق رایج این پدیده، موارد ذیل را میتوان مهمترین خصوصیات عام و مورد قبول از مفهوم مورد نظر تربیت رسمی و عمومی (یعنی اهم وجوه تمایز آن از دیگر انواع تربیت) دانست که با توجه

به مفاد فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده هستند و حتی میتوان شواهد و مستندات برای این ویژگیها در متون اسلامی یافت.

#### \* سامان یافتگی

در عصر حاضر، برای حضور فعال در جامعه و برخورداری از حیات متعالی فردی و اجتماعی، نخست باید برخی از صفات، توانمندیها و مهارتهای لازم در ساحت وجودی افراد جامعه محقق شود. اهمیت کسب این صفات، توانمندیها و مهارتها به حدی است که جامعه معاصر نمیتواند تحقق آنها را در آحاد جامعه، به عنصر تصادف و اتفاق واگذارد.

#### \* قانونمندی

دولتها، امروزه از عوامل اصلی و محوری سیاستگذار و تصمیمگیرنده در فرایند تربیت و مسئول برنامه ریزی کلان جهت زمینه سازی برای کسب شایستگی های لازم و مورد نیاز افراد جامعه اند. دولتها بر اساس قوانین اساسی کشورها و میثاق های جهانی متعهدند که تربیت رسمی و عمومی جوانان ایرانی مورد تاکید قرار گرفته است.

عدالت تربیتی در بعد کمی، مستلزم ایجاد برابری فرصت دسترسی به تربیت رسمی و عمومی برای همه افراد جامعه است و همگان بر اساس آن حق دارند که به حد نصاب مقبولی از آن (متناسب با شرایط و امکانات عصری) دسترسی داشته باشند. البته این برابری فرصت دسترسی ناظر به جامعه هدف اینگونه تربیت، یعنی کودکان و جوانان به تربیت رسمی و عمومی، عمدتاً در سنین خاص است که شمول آن نسبت به همه افراد جامعه به همین معناست و در نهایت همه آحاد جامعه یا باید از آن برخوردار شوند یا از نوعی تربیت جبرانی (تربیت رسمی و عمومی مخصوص بزرگسالان) بهره بگیرند.

#### \* ملاحظه تفاوتها بین متریبان

همان گونه که در مبحث انسانشناسی فلسفه تربیت مبانی روان شناختی به تفصیل بحث شد، انسانها علاوه برداشتن مشترکات (طبیعت و فطرت) در شئون گوناگون حیات خود نیز تفاوتهای قابل توجهی دارند. این اختلافها و تفاوتها، که مبتنی بر حکمت بالغه الهی است، لازمه بالندگی و تعالی حیات آدمیان است. تنوع ظرفیتهای وجودی انسانها فرصتهای بی شماری را به روی جوامع می گشاید که توسعه و بسط آنها موجب تعالی حیات اجتماعی میشود. از این رو فعلیت یافتن این ظرفیتهای یکی از ضرورتهای حیات اجتماعی است. بر این اساس، می توان گفت که شایستگی های ویژه (صفات، توانمندیها و مهارتهای مبتنی بر تفاوتهای فردی و غیر مشترک) در فرایند تربیت، به ویژه تربیت رسمی و عمومی، باید مورد عنایت جدی قرار گیرد.

## \* حضور الزامی متریبان

هرچند در جریان تربیت، توجه به آزادی و اختیار متریبان، به منظور تدوین و توسعه هویت آنان، موضوعی اساسی است و تحولات تربیتی (در نتیجه جریان تربیت) مورد نظر در وجود متریبان باید آگاهانه و آزادانه باشد، اما زمینه سازی برای تحقق و هدایت این حرکت به لحاظ عقلانی، یک ضرورت است. از اینرو، با توجه به محدودیتهای طبیعی دوره های پایین رشد و مخاطراتی که در راه تعالی انسانی وجود دارد، حضور الزامی متریبان در موقعیتهای مناسب، به بهرهمندی آنان از این زمینه ها در جهت تحقق مطلوب تعالی ایشان یاری میرساند.

## \* مدرسه مداری

خصوصیات سامان یافتگی (داشتن برنامه مشترک، مراتب و مراحل و مخاطبان معین)، قانونمندی، شمول اجتماعی و الزامی بودن تربیت رسمی و عمومی نشان از آن دارد که این نوع تربیت، باید در شرایط ویژه و موقعیت تعریف شدهای تحقق یابد. این موقعیت ویژه «مدرسه» نامیده میشود. در واقع مدرسه زمینه ای سازمان یافته و مناسب برای کسب شایستگی های فردی و جمعی لازم جهت درک موقعیت خود و دیگران و بهبود پیوسته آن از سوی متریبان است و از اینرو حضور در مدرسه در سنین خاص برای همه آحاد جامعه، ضرورت می یابد. لذا تربیت رسمی و عمومی شکلی از فرایند تربیت است که در مدرسه و یا تحت نظارت و مدیریت مدرسه صورت می پذیرد و تنها در شرایطی اضطراری و به طور موقت میتوان این نوع تربیت را در خارج از مدرسه سامان داد. البته چنان که خواهیم گفت، منظور از مدرسه تنها ساختار فیزیکی محیط بر فرایند تربیت نیست، بلکه این مفهوم، ترکیبی پیچیده از فضا، مکان، جو و روابط انسانی و فرهنگی میان عوامل حاضر در آن است که ویژگی های منحصر به فردی را برای زمینه سازی مناسب جهت تکوین و تحول هویت فردی و جمعی متریبان بخصوص در سنین کودکی و نوجوانی داراست.

## \* اعطای مدرک معتبر

دو خصوصیت الزامی و قانونی بودن در تربیت رسمی و عمومی، مستلزم آن است که متریبان پس از حضور در مراحل معینی از این نوع تربیت، نسبت به میزان توفیق در کسب شایستگی های مورد نظر، مورد ارزشیابی (توسط دیگران و بر اساس معیارهای مشخص و روشهای معتبر) قرار گیرند و مدارک معتبر و قانونی را که شاخص موفقیت در گذر از مراحل پیش و پیش نیاز حضور در مراحل بعدی تربیت رسمی است دریافت کنند.



\* پیش نیاز حضور در حیات بالنده فردی، خانوادگی و اجتماعی

رشد و تعالی کیفیت حیات انسان، بدون کسب لوازم آن ممکن نیست. رشد و تعالی وجودی انسانها و بالمآل تعالی پایدار جوامع، منوط به درک صحیح موقعیت خود است. اینگونه درک موقعیت، به همراه عمل برای اصلاح و بهبود پیوسته موقعیت خود و دیگران، همان استمرار تعالی وجودی آدمیان است.

تربیت رسمی و عمومی زمینه مناسب کسب صفات و توانمندیهای اساسی و ضروری (شایستگی های پایه و ویژه) را در جهت حضور فعال و با نشاط در صحنه زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی برای عموم آحاد جامعه فراهم می سازد لذا این نوع تربیت پیش نیاز حضور فعال همه افراد در فرایند تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد است؛ هرچند تکوین و توسعه این صفات و توانمندیها و مهارتها در جامعه فرایندی مداوم و به عبارت دیگر روندی مادام العمر است که از گهواره تا پایان عمر ادامه می یابد.

\* پیش نیاز ورود به انواع تربیت تخصصی

تربیت رسمی و عمومی، افزون بر آنکه پیشنیاز حضور شایسته افراد جامعه در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی به حساب میآید، میتواند و باید زمینه ورود گروهی از آحاد جامعه به انواع تربیت تخصصی را با ایجاد آمادگی های مقدماتی و لازم در ایشان فراهم سازد تا مراتب دیگری از آمادگی های خاص برای تحقق حیات طیبه در ابعاد گوناگون و متناسب با خصوصیات فردی و علایق و استعدادهای فعالیت یافته متریبان و نیازهای متنوع جامعه در جریان تربیت محقق شود.

\* عدالت محوری

در آیات و روایات، مقوله عدالت یکی از ارکان حیات اجتماعی تلقی شده و مورد توجه بوده است. بر اساس بیان قرآن، هدف اساسی ارسال پیامبران به پا داشتن مردم برای برپایی جامعه عادلانه از این، رو یکی از اهداف اساسی حکومت اسلامی، اجرا و بسط عدالت در جامعه است. عدالت است در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی قابل پیگیری است

نقش آفرینی مؤثر دولت(اسلامی) به طور متعامل با دیگر ارکان تربیت(خانواده، رسانه، نهادها و سازمانهای غیر دولتی)

بر اساس مبانی بیان شده در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، ارکان تربیت عبارتند از: دولت اسلامی (حاکمیت)، خانواده، رسانه، نهادها و سازمانهای غیر دولتی. ۵ البته در راستای مبانی سیاسی و حقوقی پیش گفته و تقدم جنبه اجتماعی تربیت رسمی و عمومی بر جنبه فردی آن، دولت اسلامی(به لحاظ رسالت زمینه سازی جهت تحقق حیات طیبه و هدایت فرد

در ساماندهی سیاستها، برنامه ها و اقدامات نظام تربیت رسمی و عمومی نقش و جامعه محوری و اساسی تری برعهده دارد. لذا دولت اسلامی به دلیل داشتن همین نقش محوری باید علاوه بر سیاستگذاری و نظارت، شرایط و لوازم تحقق در حد مقبول و مناسب با ویژگیهای تربیت رسمی و عمومی را به طور عادلانه برای همه مخاطبان این نوع تربیت تامین کند. اما این گونه نقش آفرینی دولت اسلامی نباید به بی توجهی به نقش فعال دیگر ارکان تربیت در فرایند تربیت رسمی و عمومی منجر شود.

#### \* تحول آفرینی و هدایت تغییرات اجتماعی

چنان که گذشت، یکی از انتقاداتی که به آشکال رایج تربیت رسمی وارد است، محافظه کاری و تبعیت کامل آنها از شرایط اجتماعی و تربیت انسانهای تابع شرایط جاری است. بر اساس این تحت تأثیر شرایط و مقتضیات اجتماع قرار نقد، عموم نظامهای تربیت رسمی و عمومی عمدتاً منفعل و تأثیر پذیرند. از این منظر، تربیت رسمی و عمومی سازوکاری است که برای دارند و اساساً تداوم وضع موجود و باز تولید شرایط حاکم مورد استفاده قرار میگیرد. به همین دلیل تربیت رسمی و عمومی به گونه ای سامان می یابد که متریان نسبت به محیط اجتماع، پذیرنده و منفعل بار می آیند.

#### \* ارزشمندی عقلانی

افزون بر اینکه تربیت فرایندی اجتماعی و امری ارزشی است و نمیتوان آن را نسبت به ارزشها خنثی و بی طرف تلقی نمود، این فرایند اصول به قصد تکثیر و تعالی ارزشها (خیرات) صورت میگیرد. اما نحوه مواجهه نظامهای تربیتی با مقوله ارزش ها متفاوت است. در برخی نظامها توسعه و تعالی ارزشها به روشهای سخت و تحمیلی (چه آشکار و چه پنهان) تحقق می پذیرد.

#### \* تاکید بر وحدت ملی و انسجام اجتماعی، ضمن پذیرش کثرت و تنوع

همان گونه که پیشتر گفته شد، تربیت رسمی و عمومی پدیده های تاریخی و زمینه محور است. به این معنی که بر بستر تاریخی و اجتماعی جامعه می روید و نشو و نما می کند. لذا الگوهای مطلوب تربیت رسمی و عمومی، نسبی و تابع شرایط و مقتضیات هر جامعه است. یکی از واقعیتهای جامعه ایران، پذیرش کثرت قومی و فرهنگی، دینی و مذهبی و تنوع زبانی است (جریان تمایز ۱). (اما با وجود این کثرت قابل توجه که در کشور ما موضوعی ریشه های و تاریخی به شمار یافتگی می آید، همواره نوعی وحدت و همگرایی تاریخی نیز در مجموعه صاحبان خرده فرهنگها و اقوام مختلف ساکن این سرزمین با نام ایران و عناصر مشترک فرهنگی جریان داشته است (جریان وحدت و انسجام).

\* انعطاف پذیری معیار مدار

ویژگی مهم دیگر تربیت رسمی و عمومی در راستای اصول تدریج و تعالی مرتبتی و وحدت گرایي ضمن پذیرش کثرت و پویایی، گشودگی و انعطاف است. فرایند ایجاد وفاق بین افراد و گروههای فرهنگی باشد. سازوکار تربیت رسمی و عمومی، به مثابه اجتماعی فرایندی است که باید ضرورتاً یکی از سازوکارهای فرهنگی ایجاد وفاق، باید ضمن وفادار بودن به ارزشهای هسته‌های و به اصول ثابت و نظام معیاری مشخص، نسبت به تنوع ها گشوده و منعطف باشد. گشودگی و انعطاف تربیت رسمی و عمومی نسبت به شرایط و مقتضیات و نیازهای روزآمد فردی، گروهی، محلی، ملی و جهانی موجب می گردد که ظرفیتهای انسجام بخشی آن (به ویژه در شکل گیری هویت مشترک) افزون گردد. شاخص مهم این ویژگی مواجهه فعال با مقتضیات روزآمد، حساس بودن نسبت به تغییرات در شرایط اجتماعی و انعطاف پذیری نسبت به تنوع و تکثر گروهها و خرده فرهنگ است. این گونه گشودگی و انعطاف، هم چنین در عناصر ساختار، محتوا، اهداف و روشها تبلور می یابد.

\* تعامل و بهره گیری از تجارب دیگران (در چارچوب اصول)

اساساً به سبب وجود اشتراکات فراوان انسانی، از گذشته های دور بین جوامع و ملل مختلف تعاملات فرهنگی و تبادلات تجربیات متراکم امری رایج بوده است. افزون بر این، شرایط امروز جهان به دلیل ظهور پدیده جهانی شدن، توسعه و گسترش فناوریهای ارتباطی، کاهش فاصله های فیزیکی، رنگ باختن تقابل دور- نزدیک، ارتباطات بین جوامع و به تبع آن روابط بین نهادهای تربیتی گوناگون در جهان، عمیق تر و بیشتر میشود. بدون تردید تداوم روند کنونی، توسعه و گسترش این گونه روابط بین المللی را در پی خواهد داشت. نظام مطلوب تربیت رسمی و عمومی در جامعه اسلامی در مواجهه با این پدیده به مثابه چالشی جهانی، باید با نظامهای تربیتی دیگر جوامع (اعم از مسلمان و غیرمسلمان) تبادلات و تعاملاتی را برقرار نماید.

۲-۲-۳- ویژگیهای اختصاصی تربیت رسمی و عمومی

\* دین مداری (انطباق همه ابعاد و مؤلفهها با نظام معیار اسلامی)

\* تکیه بر فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی و تناسب با جامعه امروز ایران

### ۳- تبیین چرایی تربیت رسمی و عمومی

در این بخش، فلسفه وجودی این بخش خاص از فرایند تربیت و غایت و نتایج مورد انتظار از این شکل معین از تربیت مورد بحث قرار می‌گیرد. مراد از این گونه تبیین، طرح مباحث زیر در زمینه تربیت رسمی و عمومی است.

\* اهمیت و ضرورت

\* نتیجه اختصاصی و هدف کلی

\* اهداف

نکته: بر این اساس هدف کلی تربیت عمومی (اعم از رسمی و غیررسمی) نیز عبارت است از: «تکوین و تعالی هویت مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی، متربیان به خصوص هویت جنسیتی) ایشان به وجوه اختصاصی هویت فردی و غیر مشترک صورتی یکپارچه در راستای شکل‌گیری جامعه صالح و اعتلای مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی که از طریق کسب شایستگیهای لازم (پایه و ویژه) صورت می‌گیرد».

هویت، به مثابه مفهوم کلیدی هدف کلی تربیت عمومی، نیازمند توضیح و تشریح بیشتر است. هویت، بخش نامتعیین و سیال و ناتمام و در عین حال یک پارچه وجود آدمی است که در جریان قبض و بسط زنجیره موقعیتهای زندگی توسعه و تعالی می‌یابد. هویت دارای دو جنبه فعال و منفعل است ۲. جنبه فعال آن بخش خلاق و مولد و زایای هویت است که بر اساس آگاهی و قدرت انتخاب‌گری انسان عمل می‌کند و بر عناصر موقعیت تاثیر می‌گذارد و آن را اصلاح و بهبود می‌بخشد. اما تکوین و تحول هویت در جنبه منفعل، از عناصر فطرت و طبیعت از یک سو و از سوی دیگر از عناصر موقعیت تاثیر می‌پذیرد. همچنین هویت امری چندلایه است. این لایهها وابسته به حلقه‌های تودرتوی حیات اجتماعی و فردی بشر و شامل لایه‌های جهانی (انسانی)، دینی، ملی، جنسی / جنسیتی، قومی / محلی، خانوادگی و فردی است. این لایه‌ها متعامل و متداخل اند و نمی‌توان به صورت ایستا و مستقل به آنها نگریست.

### ۴- تبیین چگونگی تربیت رسمی و عمومی

مفهوم چگونگی، ناظر به نحوه عملی شدن جریان تربیت رسمی و عمومی، در جهت تحقق رسالت و اهداف آن است. این مفهوم، به چند موضوع خردتر اما مهم و اساسی تحلیل می‌شود که عبارتند از: اصول کلی، خصوصیات مدرسه صالح (به مثابه مظهر

تحقق فرایند تربیت رسمی و عمومی، الگوهای نظری (اصول و رویکردهای) حاکم بر ساحت های تربیت و عوامل سهیم و مؤثر در تربیت رسمی و عمومی.

#### ۴-۱- اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

نظام تربیت رسمی و عمومی، به منزله یک نهاد اجتماعی و فرهنگی سازمان یافته، متولی تحقق شایسته جریان «تربیت رسمی و عمومی» در همه سطوح سیاستگذاری، برنامه ریزی، پشتیبانی، هماهنگی، ساماندهی و اجرا، نظارت، ارزشیابی و اصلاح است. این نهاد، مشتمل بر مجموعه ای از بخشهای اصلی و عناصری است که علاوه بر کارکرد ویژه، در جهت تحقق رسالت و اهداف نظام و بهبود جریان تربیت در ساحت های مختلف، با همدیگر در تعامل اند. کارکرد هماهنگ بخشها و اجزای متعدد نظام تربیت رسمی و عمومی و تعامل سازنده آنها با یکدیگر و با سایر عوامل سهیم و تأثیرگذار در جهت تحقق اهداف و رسالت آن، مستلزم اتکا بر اصولی معین (قواعد و ملاکهای مشخص و سازگار برای راهنمایی عموم سیاستگذاران و کارگزاران این نهاد) است.

الف) اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

\* انطباق با نظام معیار اسلامی

\* تربیتی عدالت

عدالت اساسی ترین ارزش اخلاقی و اجتماعی در نظام اسلامی و به نوعی عامل بقای جامعه است. همچنین یکی از مأموریت های محوری انبیا تلاش برای بسط عدالت و قسط در جامعه بوده است. بر این اساس، عدالت ارزشی فراگیر است که باید در تمامی جنبه ها و شئون حیات اجتماعی تجلی داشته باشد و تمامی ساز و کارهای اجتماعی در راستای آن حرکت کنند.

\* همه جانبه نگری

\* یکپارچگی

\* حق محوری و مسئولیت پذیری

\* پویایی و آینده نگری

ب) اصول ناظر به روابط بیرونی تربیت رسمی و عمومی

\* پاسخگویی

\* مشارکت

\* تقدم مصالح تربیتی

«تربیت»، در واقع جریانی فراگیر، جهت دهنده و اساس دیگر نهاد های اجتماعی محسوب می شود. پس از حیث اجتماعی، تمامی نهاد های جامعه برای تداوم و فراهم کردن شرایط حیات طیبه انسان و نقش آفرینی در تداوم، ارتقا و تعالی حیات جامعه به نهاد تربیت وابسته اند.

## ایران عرضه

### مرجع نمونه سوالات

### آزمون های استخدامی سراسری

### به همراه پاسخنامه تشریحی

#### خدمات ایران عرضه:

- ارائه اصل سوالات آزمون های استخدامی
- پاسخنامه های تشریحی سوالات
- جزوات و درسنامه های آموزشی

برای تهیه بسته کامل سوالات استخدامی مبانی نظری تحول بنیادین با پاسخنامه تشریحی، **اینجا** بزنید.

همچنین جهت مشاهده آخرین اخبار استخدامی آموزش و پرورش، **اینجا** بزنید.



@iranarze